

PE13375

PE13375

فَضْلُ خَلَايَا وَزِينَةُ

This is a highly decorative title page for 'The Arabian Nights'. The central focus is the title 'الليالي' (The Nights) written in large, elegant, and highly stylized Arabic calligraphy. The text is set against a background of a dense, repeating diamond or lattice pattern. Surrounding this central panel are elaborate, symmetrical floral and scrollwork designs. The top and bottom edges are particularly ornate, featuring large, five-petaled flowers and intricate foliate motifs. The entire composition is framed by a decorative border, creating a rich and visually complex aesthetic typical of traditional Islamic manuscript illumination.

مطالع می نشیو بیجین جهان

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و در این کتاب که به دست من رسید و در آن مذکور است که
در این کتاب که به دست من رسید و در آن مذکور است که
در این کتاب که به دست من رسید و در آن مذکور است که

۷۰
چونکہ انصاف و انانیت
اور ان کی تعلیم و ترویج میں غرض و مقصد
جملہ مائتہ اثناسنتہ ان کو گفت و شنود
چنانچہ صاحب فضل و کمال شہود کو تاجیاسے دورانِ محود
جہانیاں و مضیم عالمیاں گرد و پیش میں جہانیاں
برو و فیکندہ شمال و جنوب میں فیکندہ
آبادی ملک عرب و آریا

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

همی گوید ابو نصر فرامی
به توفیق خیر اوید آهی

حیدر خاوند و حیدر خاوند ما حرکت الشمال النخل الدقیق
 حیدر خاوند و حیدر خاوند ما حرکت الشمال النخل الدقیق
 حیدر خاوند و حیدر خاوند ما حرکت الشمال النخل الدقیق

و غبت می افتد با شعار فارسی چون خوش آمدن شهر مطهرهای
وزون را عزت و تعلم لغت کلید همه علمیات پس

فدوی از وی شکم کردم تا بی تکلف یاد گیرند و چند بیت که ضابطه
 دوم هر چیزی را از علوم متفرقه در میان این فطما در آوردم تا

و دوست و ستیبت آمد آنرا نصائح الصبیان نام کردم

نقطة الاولى في بحر التقارب الممتمن المقصود

۲
 ۱۲
 خلاصه شرح عقاید
 ۱۱

یہ بحر تقارب تقرب نامے
 فعلون فعلون فعلون
 الہ ست والہ ورحمن خدای
 سما آسمان ارض و غیر زمین
 سقر و فرخ و نار آتش ولی
 ریش فش فحاحیرہ و وجہ روی
 شفت لب لسان چہ بیان قوم با
 فرس لب و لعل سر و سرخ زین
 رجل مرد و مراء زن و زوج حب
 ففات ست از عذاب آب و آتش
 کران عود و بریط و سر و سر
 ہدی راستی کذب و فریہ و دروغ
 بیک کورہ را سہر دان شہر ماہ
 شن چہ بہا و بہار و شنی
 عیون شور و شیم و بلیدیت کبد

بدین وزن میزان طبع آزمای
 چو گفتی گبوی می در بار
 دلیل است و هادی تو گورهای
 محل و مکان و معان است جای
 که جنت است آخرت آن سرای
 فخر آن عقب پاشنه رحل می
 پیر و چار و دست حلقه می
 بغیر اسیر است بحر چو درای
 غنی مالدار است و کمین گدای
 چو نبوغ چشمه حیات است لای
 ولی صنم چنگ است و مرغانی
 نحیف و حضور و غایب برای
 و گرو و رطاق و ان طاقی
 شور است و دل و نو و دل می
 بود و زنی المی تیسرای

[illegible]

حقیق و جابر و قین و حرسے
شیخ و ارباب کلمہ و ادخل و راسے

القطعة الثانية في بحر محبت الثمن المقصور

زهی بگاش جانها تو سروان
مفا عین فحلا من مفا عین فحلا
ضیا و نور و ساروی اوقی کیران
دوب برت حدیله من صاص
نحاس و صفر و روی لکست
جراز و سیف و حسامت غصبارم
عصب پی و لیله خوشنیت و ع
عجاج و قلع و قوام و هیاهو و عبا
خشا شهابی جان و عراضه و اور
نیوت و نسو و عیوق است و ع
صنم و صلب و صلبان و صیت و طاقو
دق نشانه عرض هم خسته ز گیت

انقطعت اليائسة في بحر الرمل المنمن المحذوف

[illegible]

چو طلح و موز درخت اراک خط بدان
نزد بارده بود مال بر نهاده بسد
شما عطر بود بوی و بوی دان خوش
تصاوغ ست گر قن چو دست یک
رخس شسته نس شو فلک برنج
عوان نیمه کالم عروب شو بدو
مراج جای شتر برض است جای
قصم دان چو ز معاف نور واری

چو اشل شور ه گز و شوک خار سدره کنار
پلاس حلس و درخت زمين آب عطار
بد و قصر تو ماوراء در اگلاب شمار
تعلق است گر فتن کنار بحر کنار
ذول ران و دهن خفته و لعل سوار
گرام پر و ديار کس و کنگه نزار
کناس ان و دجاران اهور و فشار
عاقبت تو پرده نشوار و چه چه نشوار

القائمة الخامسة في سراج البحث المتمم للمعروف

بریز در صدف سپید اسی نهی ز
منا علن فولاتن رفا علن فعلن
و ریب در کون و حیم ست و ریب
رحم و رابت و زده ان بود حسن ناماد
زکی ست پاک و ضعیف میان خفی نهان
ملک و رشتہ فلک و رشتہ سیار

ز بحر و گمش محبت سفینه ای که
 بخوان ز بعد وی این قطعه نصایب
 ولید و طفل سچیه ام و والده مادر
 چنانکه صهر حسن و والده اب سید
 جلی پدر و بنی و رسول پیغمبر
 شهاب و گوکب و درری و دیگر اختر

[illegible]

فرح و فروغ است چو نهضت مریخ
اصفر و فاقه چو زر دست ابرقانی
جندل و صحر و جوی چو نخل و جلوه
جو و فیض چو دشت چو دره کی جو و در
عنبر و زربازیان و عنبر و در آنها
نظر دایه می زنده و دین و شباب و دین
رازیانچ باو یان سک و خوش از خوش
ماجران سبالار باز رگان فاجرانچ

چون غیب انگوشتی و من انجیر و کشری مرو
هست خضر سبز واضح روشن ازین کبود
هست حصان سبز زمار و ای اب رود
و عطا و پیشانی و تحت پند و بیان درو
چون غدا و ان بی نیازی بر بد خالی درو
تو هم سیر و جلجلان کشید چون حصان
نشر و شتی را پرانگنده شمر مجموع کد
صاعداً و خردی که بالا میرود و با بطور

القطعة السابقة في بحر المحبت لمن المقصود

چو دل ز پرده عشاق برکشد آهنگ
مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن
سعال سر فروز سرعت شباب لیث
بلال باه نوبت و فربه و قمر
اشج شکسته سر و چیه رش افروز کل
قتیل گشته و عظم اسخوان ضعیف کنیا

بهر مجتهد بر خوان غزل بنه سنگ
بگویی تا شود عقل و دانش تو سنگ
قصیر کوتاه و واضح و فراخ و ضیق سنگ
شعاع اوزهر و صنیع چه بگویم و رنگ
اسل و امطع بدست من ابرو سنگ
چو هند و دوب و لریزان و خوش سنگ

[illegible]

القطعة الحادية عشرة في بحر المجتث المثنى المقصود

زهی بیای تو خوبان نهاده رویان
مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلات
رجا امید و گران است سوغ حل و جز
حصین و غار و غور است بچل و ویران
طعام خورنی و چل و چل و چل و چل
قصیده مغر سطر است راز و غریب
نخمس و غ و لکن شیر و کز بره کشته
سید و در کینه ناک سید و حل و سر
قطع دان ربه جدی و غنا و غنا
ابو الیکیم چکا وک و راست و به نام
صغیر خرد و چهاری شوات و ملک و ملک
مگر است و ضواید است و غنم و غنم
عطاس عطسه عجب لاغری خدام خور
زیم سید و غی و غنم بدی بی شرم

قدت چو سرو که عشاق راست و مراد
گبوی مجتث و خوش خان تو در مقام
روانی و نصف عدل و صوت و چرخ
بقاع ربوه و دل است و بجه و مضبیر
از گریج و ورق شور با قلو لا قان
قدید قاق و سیم و فریه و طویل
کراع پاچه چین و صبل نیمه و بیان
رعیف گرد و و بدست ابتدا آغاز
چنانکه مغر و وضان و پیش و پیش
چون سر گری و چون صفر چرخ و بازی
حدید تیز و وس چه صیان و مقطع کار
بنیه قبله و کعبه است چون صلوة نیاز
جبان و بلع و دهان بیدل و سحبه
رسل و هم و بلبله زن و غی و غنم

که کران و کران
چهار و چهار
نصف و نصف
آواز و آواز
فغان و فغان
روانی و روانی
بقاع و بقاع
از گریج و از گریج
قدید قاق و قدید قاق
کراع و کراع
رعیف و رعیف
چنانکه و چنانکه
چون سر و چون سر
حدید و حدید
بنیه و بنیه
جبان و جبان
رسل و رسل

کلمه هم سخن است و حرف هم پیشه	قرن نهم بود هدم و شریک نیاز
اکیل بنجر و همکاسه و می همیام	رفیق بار موافق همیشه چه هم ساز

القطعة الثانية عشرة في بحر الرمل المثنى المقصود

ای قدت سرو خرامان می خست تمام	ساز و بحر رمل بار و گریه مقام
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات	همچو بلبل بجا زین این بیت بر خوان
قرم و غطریف و حاحل سدر اسکن	همه است و است صدر و چوشتی با هم
حقوه ساخت امر کار و قول گفت فعل	جنب بهلو جابر همسایه گریان طحان
لون گنج بوی می باو عیم و عین	نوم خواب مثنی رفتن بعد وری گام
زبد مسکدین و غن قطن پیله صوف	گوز کوزه قصه گانه قدر دیک کاس جام
نفت نیم لعل هاله گشت و ربع حل	کدر من حرمه و سه صفت و الف بندام
نعر و سن و ضربان طفران جلد بو	خلنج جوف اندرون صیق خنک تکی و کام
آوی اسی انسان مردم و می پری	اجرم در در شوه پاره غم تاوان دام
صبح انگشت است لیک بهام انگشت	بار سبزه است وسطی بصر و خصر نام
ستم یاری و صحت تندستی تیه کبر	قیح دوم و دم پست خون اس قی قی

القطعة الثالثة عشرة في بحر الجثث المثنى المقصود

نوم و گریه مقام
همچو بلبل بجا زین این بیت بر خوان
همه است و است صدر و چوشتی با هم
جنب بهلو جابر همسایه گریان طحان
نوم خواب مثنی رفتن بعد وری گام
گوز کوزه قصه گانه قدر دیک کاس جام
کدر من حرمه و سه صفت و الف بندام
خلنج جوف اندرون صیق خنک تکی و کام
اجرم در در شوه پاره غم تاوان دام
بار سبزه است وسطی بصر و خصر نام
قیح دوم و دم پست خون اس قی قی

ای قدت سرو خرامان می خست تمام
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات
قرم و غطریف و حاحل سدر اسکن
حقوه ساخت امر کار و قول گفت فعل
لون گنج بوی می باو عیم و عین
زبد مسکدین و غن قطن پیله صوف
نفت نیم لعل هاله گشت و ربع حل
نعر و سن و ضربان طفران جلد بو
آوی اسی انسان مردم و می پری
صبح انگشت است لیک بهام انگشت
ستم یاری و صحت تندستی تیه کبر

القطعة الثانية عشرة في بحر الرمل المثنى المقصود
القطعة الثالثة عشرة في بحر الجثث المثنى المقصود

زهری جال تو امر وز بز وی ویر	چرا خندنگ تو آمد بسینه ویر ویر
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعات	لبوی و محبت و مغلن شرم سر دیر
سباز و بطل و باسل و شجاع ویر	شیر و صبر و کسان بیت و جانش ویر
غضنفر و اسدایت و حارث و دلما	هزبر و قسوة و حیدریت و ضمیم ویر
رقاد و محبت و خشن سها و یوایی	بذول و باقل و مانع نخی و شمعان ویر
عوج کچی و جزر گی گیاه و است ویر	خبار و نرم و اخاوه غریز و قلع ویر

القطعة الرابعة عشرة في بحر النرج الرباعي

گل غنچه ز شرم دهنست دست	وز ذکر لبست دامن گل پر عطر
مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاع	بحر نرج اینست گرانندک فکرت
بضم و عجب رب چهارم و قرب	اینها همه چیست فرج های شربت

القطعة الخامسة عشرة في بحر النرج في اسامي ازواج النبی

ای ماه رخ تو خرگه محبت	ملک دل من ترا شد یک قلعه
مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاع	این بحر نرج دان و بخوان با
نه جفت نبی که پاک بودند همه	بد عاقله و خدیجه محبت
پام جیدیه حصه بود و زینب	میثم و صفیه شوه ام سلمه

از این نام و تفریق میان اینها در این مثنوی
 بحر نرج اینست گرانندک فکرت
 اینها همه چیست فرج های شربت
 این بحر نرج دان و بخوان با
 بد عاقله و خدیجه محبت
 میثم و صفیه شوه ام سلمه
 از این نام و تفریق میان اینها در این مثنوی
 بحر نرج اینست گرانندک فکرت
 اینها همه چیست فرج های شربت
 این بحر نرج دان و بخوان با
 بد عاقله و خدیجه محبت
 میثم و صفیه شوه ام سلمه

سیم کرمی کیم گنلی عرج لکلی لیم کولی
 سیم غاروس و مرز عام برین
 سیم بهار آمد خرف اسم خزان گله
 عار و حصر و تن در این اردو خوف ترسد
 ابی کش بطی کابل طری تازہ جی چید
 شغبت طوی عست باوحت
 کلف عشق و صلف لاق و سلف و نال
 نفی و نفی پیر کار و عبقری نیکو
 و شمع و شمع و شمع و شمع و شمع
 خضر بار و شمع و شمع و شمع و شمع
 صخر و صخر و صخر و صخر و صخر
 عبار و عبار و عبار و عبار و عبار
 عرب و عرب و عرب و عرب و عرب
 تو و تو و تو و تو و تو
 عرص و عرص و عرص و عرص و عرص

علم و عالم و علام و اداسی پریان
 حیا و ابل و سمنی و مدرار و مظاران
 شتا و صیف و بهار و زمستان و آستان
 و تاق و کل و نذر حسین و سحر و جردان
 خری و سودا و ناکی و خشی و ناخوشی
 یاسنجان و مخران و مریان و کرجان
 جدر خاش و قح خالف و آب و جل تران
 سفن و جوان و کدشیر و حدر و حیدر و حیدر
 اقط و بنود و اوار و ق و بنو و ق و کران
 فرج و شادی و مسرت و جلان و فرج و شادی
 و مین و مین و بازی و مین و مین و مین
 جنس و مین و مین و مین و مین و مین
 زدن و کف و مین و مین و مین و مین
 چوید و و مین و مین و مین و مین
 چوید و و مین و مین و مین و مین

[illegible]

<p>نستین گنبد و نکست هم بخوبی بدان باشد</p>	<p>صنان مین و فکینه نعل شمع آبی و نی</p>
<p>ای ماه روی کنستی و می لب شیرین جان</p>	<p>خوشید و یازاشد و ذکر لب مرد زبان</p>
<p>مستقل مستقل مستقل مستقل</p>	<p>انست تقطیع ز خبر بر خوان چو بل برسان</p>
<p>چون و سکا و چو چو اما ان پر و خالی</p>	<p>طعم و غسل از روی شست دست می جان</p>
<p>سند و قط و حیل و هشت گریه سنگ</p>	<p>فلک سفینه جاریه گشتی شمع عشق باد</p>
<p>فلت کی راحت شنی شست بدی ملک</p>	<p>شماج بلند و قلم سر معراج و سلم زبان</p>
<p>لاذع گران این رسان گل خوان رایع</p>	<p>تن فزات همی کون دل روح نفس و هجران</p>
<p>جمع و فریق و قوم و فرقه امت و معسر</p>	<p>بر غوث کیک و نعل فزده مورچه عالم جهان</p>
<p>غنی و ضلالت گریه نفس عداوت</p>	<p>سود و سر جدت و کفایت کمر بستگان</p>
<p>القطعة الثانیة والثلاثون فی سحر المضلع الثمن المکفوف</p>	<p>طاهر بران طالع بران شکار روان ساعدی</p>
<p>جان میسر که هست دلت بهو خار نخت</p>	<p>طالق بله شکوه کلمه کلمه رایع بیان</p>
<p>جان و بهای لعل تو خون است نخت</p>	<p>تلما جت و آن بی بیان بیان آینه زبان</p>

[illegible]

مفعول فاعلات متفاعیل فاعلات نیز آب نادران و نادرانم سحر درخت کمل و جمیع و قاطبه و جمله دان هم فیمن سداب قوم و قد شیر باد رنگ قباخیر و سلق و حقدیر جزر گرز خند فزین و شیرکبک بال ریش ماه شب چهارده بدر است و فزین	این بجز را مضارع دان ای سیمینت چون ملتجایان و ملک شه سحر درخت شطربت نصف نیمه سحر درخت دباک و دقرع تراوشید سیمینت نفع است پودنه است اثاث و متاع زنی و لباس کسوت چون چرخ باد است سایه فی بود و ایام سیمینت
--	--

القطعه الثالثة والثلاثون فی بحر الخفيف المسدس المخذول

ای خط رشک شک تا تازی فاعلاتن مفاعلاتن فعلن سکر سیه و صحوه شیری سبرم و سقن و سقین حکم و مین و موی سب و نیتی لیک اتمال و ضاعت ست وضع قسم و حلقه و مین سوکند	ذوقی بحر خفیف گردار س گوئی چون ابلان سحر زاری نصر خون و مطا همت یاری مظلم و دواج و در لیم سحر ذل و ذلت هوای و مهن خاری اسکانت مضرب و زاری ذمی و اهل ذمه ز نهار س
---	--

این بجز را مضارع دان ای سیمینت
چون ملتجایان و ملک شه سحر درخت
شطربت نصف نیمه سحر درخت
دباک و دقرع تراوشید سیمینت
نفع است پودنه است اثاث و متاع
زنی و لباس کسوت چون چرخ
باد است سایه فی بود و ایام سیمینت

و ذوقی بحر خفیف گردار س
گوئی چون ابلان سحر زاری
نصر خون و مطا همت یاری
مظلم و دواج و در لیم سحر
ذل و ذلت هوای و مهن خاری
اسکانت مضرب و زاری
ذمی و اهل ذمه ز نهار س

شکرست فرج و حر کس کین اندرون او
خسبه است و خایه عانه زار است
کابوس وان سکاچه وضا غوطه
سهاج و سنج و جد و مصدر اهورا
زق خیک و نخی مشکین قرع غصام
خدا ن لیا و وسفه و اچو سیر حق
مسواة نچه شعله زو رست و سر کلند

مهبل و دانش قبلش و زب و آیز ز
 تفرغ خاک سینه و راعه تار سینه
 جاثوم نمیدهند و بتاک پرده در
 در و شریعت و غطن و حور و آواز
 شبنم مشک کهنه باشد و صرام چرم
 مسجاة و پیل و حمصه الیه قطع تر
 باشد شرف زینیر و کار بر نیر

القطعة السادسة والثلاثون في بحر المضاع المسمى المسمى

ای جانمن ز ماوک چشم تو گشته ریش
منفصل فاعلات متاعیل فاعلات
عقرب چه کردم ست محمد بن علی
اعصار کرد باد چه نگار کرد و شمال
حمایت صداع و فواد و کیاوست
ظهرت پشت و بطن شکم و قلوب
حالت چون دکان شد ویت

بر دل محبت ز بلای غم تو نیش
 این بگرشد مضارع سازش بود و نیش
 جعبه خیمه و فتنه بود چون کنایه
 ضد خوب و صبا پس و بویس
 در دودل و جگر و حج و حجش
 لیمه نعمه و لب و شرم و نجش
 شد غمی سر شرم و شرط و دلقش

[illegible]

جبهه نکاو و مسوق و فرق و دماغ
طلق و محاص و زره و خیل و شعل
وضع آن بجه که آخر طهرش بود و علو
سطوح خسته مغرقه گلگیر فرور
شست و شانه و لوی کهن فضا
سطح و در پرورم خط سحره کنا
منجات رنده باشد و متقا اسکنه
مبار به تر از وی در سحر عمود

ام الدماغ جایی وی و جمجمه کلمه
غضائت مغز و دماغ در دماغ ۱۲
آوره غرو شری جدری لفظ ابلیه
کلمه غشائش در دماغ ۱۱
تین کلمه باز کونه باید لفظ ابلیه
اشقیه دماغ ابلیه و طغیانه ۱۲
کلمه دماغ کلمه بودار بعین حیل
اشقیه دماغ کلمه بودار بعین حیل
کلمه دماغ کلمه بودار بعین حیل
کلمه دماغ کلمه بودار بعین حیل

القطعة التاسعة والثلاثون في بحر المجتث الثامن المحذوف

ز نور عارض تو چشم راست ضیا
مفانان فعلان مفاعن فعلن
ارگشتخت اناباروان چو خط و عا
نمیر آب گوارنده وان و ازرق صبا
چیرچه پوایی بدست و قطره دل
جباب گوید باشد و آج آب معین

ز تاب خضر نور دل اگر حیا
بجز محبت این نظم خوان صبح و مسا
چرخ دلم و در شکی خضر کلان
نقد خنق کم و بیش قصاصه و ان
عمیق زلف بود و هر جوی و نول عطا
نقصین را که در لایقه مطن رسن جوشنا

[illegible]

رخام سنگ نوسنگ سنگ استغیا

که سنگ مسینه طاقونه است که در کوهها
فارسها آنرا قدیم میگویند

بیاض کا ہنگل است و ص ۱۱

امام جعفر علیه السلام و از و ان بنی

۱۰ - اگر کسی در روزی که در آن روز...

صنایع رنگ رویم عوالت رنگ

سنان چه سنگ فسان کاف سنگ

شرف چار شانه سنگ و سنگ گل پیل

عصی بنی و با عون زکوة و حسن

تقریر نادره ملاطست کل میان دو

میں باب حار و خوار بات
آؤ غرض

وہاں سے کہیں کہیں

القطعة الاربعون في بحر المتقارب المئمن المحذوف

گرت هست زین بحر موزون خبر

توان بجز و کشتی تقارب ستم

سوی جزیم از سلاطین

وہی ہے جس کا نام امیر ہے

زہ ہے طبع تو درج درج

فہرست فہرست فہرست

و جیبر و محض بود

قائدين دہ دو ہے

بمبھہ میں ناز عشقہ تزاو	رشتہ حنان عالم ایسا
-------------------------	---------------------

لن یجب خفیف دل را شاد

مجموعه و ناز عشق و تراو

فما علماتن مفاعلهن فعلن

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

القطعة الثامنة والاربعون

والخفف المسدس المخرّب

۴

100-443887-100

[illegible]

CALL NO. [۱۹۱۵۵۱ (۵)] ACC NO. ۱۳۳۷۵
 AUTHOR ابو الف
 TITL

Class No. ۱۹۱۵۵۱ Acc. No. ۱۳۳۷۵
 Book No. ۱۳۳۷۵

N Author
 P Title نصاب البيان

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date
NOT TO BE ISSUED			
PERSIAN SECTION			



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over-due.

